

## مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر حجت الله ایزدی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۶

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۰ پاییز ۱۳۸۷

### چکیده

مؤلفه قدرت نرم اخیراً در ادبیات سیاسی و مفهوم قدرت، جای مناسبی پیدا کرده و هر روز زوایای جدیدی از آن کاویده و عرصه آن گسترده‌تر می‌شود. فهم درست این پدیده از نگاهی تطبیقی با قدرت سخت حاصل می‌شود. ویژگی‌هایی چون: کم هزینه و پرسود بودن، اجتماعی بودن، خصلت اقناعی داشتن و ایجاد خود انگیختگی در جامعه هدف برای اقدام به آنچه قدرتمندان انتظار دارند، برجستگی این مفهوم را بیشتر می‌کند. قدرتهای سلطه‌گر در پی بازشناسی و بازسازی منابعی هستند که در کنار منابع قدرت سخت بتوانند ادامه سلطه آنان را بر جوامع هموار سازد. نظام جمهوری اسلامی که از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، به برکت این انقلاب، از منابع بی‌نظیر قدرت نرم برخوردار است. اسلام سیاسی، آموزه‌های مذهب تشیع به خصوص عدالت علوی(ع) و قیام حسینی(ع)، روحیه شهادت طلبی، تقیه، انتظار و مهدویت، مرجعیت دینی، اصل ولایت مطلقه فقیه، اعتماد اجتماعی، وفاداری مردم و مسئولان، امید به آینده که از اصل مهدویت و پیروزی‌های شگرف انقلاب اسلامی بر قدرتهای بزرگ به دست آمده، از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند.

### واژگان کلیدی:

قدرت، قدرت نرم، انقلاب اسلامی، امام خمینی، مرجعیت، اسلام سیاسی، آموزه‌های شیعی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع).

## مقدمه

فرانسیس فوکویاما در کنفرانسی در بیت المقدس در سخنرانی خود با عنوان «بازشناسی هویت شیعه» می‌گوید: شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. این پرنده دارای دوبرال است یک بال سرخ و یک بال سبز. بال سرخ شیعه، روحیه شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر کرده است. بال سبز این پرنده، اعتقاد به مهدویت و عدالتخواهی اوست. شیعه در انتظار عدالت به سر می‌برد و به آن امیدوار است و انسان امیدوار نیز شکست ناپذیر است. این پرنده زره‌ای به نام ولایت دارد. بین تمامی مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقیه است. ولایت فقیه شیعه را تهدید ناپذیر کرده است.

عبارات «فناناپذیر»، «شکست ناپذیر» و «تهدید ناپذیر» در این تحلیل، بر اصول و مبانی انقلاب اسلامی مبتنی شده است. نقش این اصول در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، فراتر از ایدئولوژی‌های مرسوم است؛ زیرا این ایدئولوژی‌ها بنابر خصلتهای سکولاریستی، متغیر و جایگزین پذیر هستند.

هر ایدئولوژی در برهه‌ای از زمان و در محدوده‌ای معین از جوامع انسانی پدیدار می‌شود. گاهی نیز ایدئولوژی‌های متضاد به جای ایجاد فضای مناسب برای تغییرات اجتماعی، به چالش و فرسایش با یکدیگر کشیده می‌شوند. (فضای سیاسی - اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، شاهد این مدعا است.)

نظریه پردازان کلاسیک قدرت نرم آمریکا که در فصول مفصلی از آثار خویش به کارامدی و جذابیت شاخصهای آمریکایی آزادی، دموکراسی خواهی و بازار آزاد اقتصاد تأکید دارند، جوامعی را هدف گرفته‌اند که تحت نفوذ سنتی فرهنگ آمریکایی هستند. هنگامی که از تهدیدهای کشورهای اسلامی سخن به میان می‌آورند، شاهد مثالشان القاعده، طالبان و جریانهای سلفی‌گری است. در خواست متون حقوقی توسط افغانها (بلافاصله پس از اشغال) از آمریکایی‌ها، از شاخصهای پیروزی سریع قدرت نرم آمریکایی بر تهدیدهای جهان اسلام به حساب می‌آید. چشم پوشی از شواهد آشکار و

چشمگیر شکست قدرت نرم، نیمه سخت و سخت آمریکا در ایران در طول سه دهه گذشته، از سر یأس و استیصال، سیاست عادی سازی است یا اینکه دغدغه‌ای جدی و راهبردی بر روی میز طراحان و سیاستمداران است؟ اظهارات فوکویاما در کنفرانس صهیونیستها صرفاً ارائه بحثی علمی نیست، بلکه او پس از این تحلیل به شیوه‌های مقابله و غلبه بر این اصول هویتی شیعه می‌پردازد. از این رو ادبیات قدرت نرم به صورت وسیع مورد توجه مراکز علمی و تصمیم‌سازی سپاه و بسیج قرار گرفت. همایش «بسیج و قدرت نرم»، ترجمه کتاب «قدرت نرم» اثر جوزف نای و برخی مقالات ارائه شده در فصلنامه مطالعات بسیج و فصلنامه عملیات روانی، نمونه‌ای از این تلاشهاست؛ بطوریکه نخست مفهوم تهدید نرم و پس از آن مفاهیم عمومی قدرت نرم در دستور کار قرار گرفت. دستمایه‌های یاد شده، زمینه و امکان توسعه را در این حوزه مطالعاتی فراهم ساخته است. مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی در همین راستا عنوان این مقاله قرار گرفت. جهت دادن افکار تهدید محور به سوی توسعه مطالعه، شناخت و کاربرد قدرت نرم به جابه‌جایی راهبرد توسعه و تهدید محور در جبهه مقابله منجر خواهد شد.

سخن از قدرت نرم در جامعه‌ای که بزرگ‌ترین و واقعی‌ترین انقلاب را در قرن بیستم با تکیه بر راهبردهای فرهنگی (قدرت نرم) تحقق بخشید، هموارترین راه برای شکل‌دهی و توسعه ادبیات قدرت نرم است. ماروین زونیس، رئیس انستیتو خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو می‌گوید: «پیام ایران، چه موقعی که در ابتدا عجیب و شگفت به نظر آید و چه بعدها که از زیاد شنیدن، عادی و روزمره جلوه کند، به نظر من قوی‌ترین و نافذترین جهان بینی سیاسی‌ای است که ما در قرن بیستم، از انقلاب روسیه به این طرف، با آن مواجه گشته‌ایم. اگر انقلاب روسیه را دنباله حوادث قرن ۱۹ و متعلق به آن قرن بدانیم، می‌توانیم ادعا کنیم که در قرن ما یک انقلاب اتفاق افتاده است و آن هم همین انقلاب ایران است. این پیام پر قدرت، زمانی طولانی باقی خواهد بود و فرقی نمی‌کند اگر آیت الله خمینی هم در قید حیات نباشد» (به نقل از: رایت، ۱۳۷۲، ص ۲۱)

## مفهوم قدرت

«قدرت» از مباحث محوری علم سیاست و مورد اندیشه و تأمل در متون و آثار سیاسی است. این موضوع، به دلیل اهمیت عینی و ملموس قدرت در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی (برای اجرای خط مشی‌ها و برنامه‌ها و تحقق اهداف و منافع ملی) می‌باشد (جمالی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۱). پدید آوردن آثار مطلوب (راسل، ۱۳۷۱، ص ۵۵)، سلطه انسان بر انسان (آرون، ۱۳۶۴، ص ۵۹۸)، توانایی فرد یا گروه در کسب تسلیم و اطاعت دیگران (گالبرایت، ۱۳۶۶، ص ۲۵۶) و کنترل رفتار دیگران (دال، ۱۳۶۴، ص ۹۶)، از جمله معادلهای مفهومی واژه قدرت می‌باشند (ایزدی، ۱۳۸۷، ص ۶۱). به عبارتی واضح‌تر؛ قدرت را می‌توان ایجاد آثار و نتایج مورد نظر تعریف کرد (Russell, 1986, P.19). به بیان راسل، «الف» در صورتی از «ب» قدرتمندتر است که به آثار و نتایج مورد نظر زیادتری دست یابد و «ب» فقط به چند نتیجه محدود و محدود برسد (کلگ، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴). البته در نقدی بر تعریف راسل می‌توان گفت که گاهی ممکن است «الف» تعداد زیادی موفقیت‌های جزئی به دست آورده باشد، ولی «ب» پس از عمری یأس و نومیدی، در نهایت به انجام کاری بزرگ نایل آید. در این صورت نمی‌شود «الف» را قدرتمندتر از «ب» به حساب آورد. (Emmet, 1953, P.40)

## قدرت نرم

تحلیل قدرت به نیرو (ابزار و امکانات) بدون توجه به استعداد و توانایی فکری، ایدئولوژی مترقی، پابندی به اصول انسانی و دیپلماسی قدرتمند، نمی‌تواند منجر به موضع مناسب و پایدار شود (ایزدی، ۱۳۸۷، ص ۶۳). اکنون بیداری ملت‌ها، سرعت، حجم انتقال اطلاعات و اصول و هنجارهای بین‌المللی، مانع از کارآمدی و غلبه مطلق ابزار و فن‌آوری نظامی شده است. انقلاب اطلاعات و جهانی سازی اقتصاد، دو عاملی هستند که باعث کوچک شدن جهان می‌شوند. اگر چه در اوایل قرن ۲۱، این دو عامل باعث تقویت قدرت آمریکا شدند، اما با گذشت زمانی کوتاه و در آینده، فن‌آوری بین کشورهای

دیگر و مردم گسترش یافته، باعث کاهش اهمیت نسبی آمریکا خواهد شد (نای، ۱۳۸۷، ص ۷۹). جایگاه آمریکا ستیزی در جهان اسلام یکی از نگرانی‌های فزاینده آمریکا است. جذابیت الگوهای آمریکایی بین مسلمانان، شیب نزولی تند پیدا کرده است (همان، ص ۹۸). شواهد در حال افزایشی وجود دارد که سیاستها و لحن استکباری آمریکا (که خود از آن به یک جنبه گرایی تعبیر می‌کنند) سبب کاهش جذابیت آمریکا در جهان شده است. این تلقی از آمریکا که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ایجاد شده بود، با اشغال عراق تشدید شد (مرکز تحقیقات پیو ۲۰۰۳). اکنون در برابر آمریکا بلوکی قدرتمند و متکی به ابزار و فن آوری نظامی وجود ندارد، اما آنچه آمریکا را به چالش کشیده است، قدرت ایدئولوژی و احیاگری اسلامی (به اعتبار خودشان سازمانهای بنیادگرا) است، (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶). انقلاب اسلامی که با آموزه‌های دینی به نیروهای مردم جهت داد، به عنوان نیروی محرک قرن بیستم، الهام بخش جریانهای فعال جهان اسلام و انگیزه‌های بالای مقابله با استکبار شد (رایت ۱۳۷۲، ص ۱۹). جوانان مسلمان لبنان با لباس نظامی، پرچم ایران روی سمت چپ سینه خود و با نوارهای سرخ رنگ مزین به کلمات قرآن بر پیشانی، به عملیات استشهدادی بر ضد دشمنان دست می‌زند. (همان، ص ۲۴)

آمریکا که تا آن زمان خود را قدرت مسلط و مشروع جهان آزاد با بلوک سوسیالیستی می‌دید، با پدیده‌ای جدید مواجه شد. انقلابی با شعارهای استقلال طلبی و آزادیخواهی، موفق به تشکیل نظامی مبتنی بر رأی اکثریت قاطع مردم شده و فاقد شاخصهای چالش پذیر سوسیالیستی (همچون نظام تک حزبی، استبداد سیاسی و...) بود.

به کار بردن قدرت برهنه نظامی مستقیم بر ضد چنین نظامی، نه ممکن بود و نه کارآمد. در چنین شرایطی، به مرور ادبیات قدرت نرم (Soft Power) در مراکز تحقیقاتی آمریکا شکل گرفت (نای، ۱۳۸۷، ص ۲۶) و سپس ترکیبی از قدرت سخت و نرم به عنوان قدرت هوشمند (Smart Power) در دستور کار آنان قرار گرفت.

قدرت نرم به مثابه «وجهه دوم قدرت»؛ یعنی راه غیر مستقیم به دست آوردن خواسته‌ها. ممکن است یک کشور به نتایج مورد نظرش در امور سیاسی جهان از این

جهت دست پیدا کند که دیگران ارزشهایش را تحسین کرده و آن کشور را الگوی خود قرار دهند. قدرت نرم؛ یعنی ترغیب دیگران به خواستن همان چیزی که شما می‌خواهید. قدرت نرم توانایی تعیین اولویتهاست، به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزشهای سیاسی و نهادی، مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاستهای قابل قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورد (همان، ص ۴۴). اگر یک رهبر ارزشهایی را ارائه کند که دیگران خود مایل به پیروی از آنها باشند، اداره کردن آن گروه، هزینه‌های کمتری خواهد داشت. البته قدرت نرم، دقیقاً همانند نفوذ (Influence) نیست؛ زیرا نفوذ می‌تواند از طریق قدرت سخت (تهدید) یا پاداش نیز ایجاد شود. قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال است. جذابیت قدرت نرم اغلب سبب مشارکت توأم با رضایت می‌شود. در حقیقت؛ قدرت نرم منابع و دارایی‌هایی است که تولید جذابیت می‌کنند.

در مطالعه تطبیقی انجام شده توسط آقای دکتر اصغر افتخاری، زوایای مختلف این دو نوع قدرت با یکدیگر سنجیده شده است. قدرت سخت داری ساختاری هر می با منطق «بالا به پایین» است؛ حال آن که قدرت نرم در ساختاری کروی و با منطق «دیالکتیک متن - بازیگر» تولید می‌شود. در قدرت سخت قدرت به امریت تعبیر شده و سبب گسست بین عامل و موضوع قدرت می‌شود؛ اما قدرت نرم با عنصر اقناع تعریف شده و قدرت در فضای ارتباط متقابل پدید می‌آید؛ یعنی عامل و موضوع بر یکدیگر مؤثر می‌باشند. قدرت سخت مستقل از مؤلفه‌های محیطی تعریف می‌شود؛ در حالی که قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است. قدرت سخت حالتی ترکیبی دارد؛ ولی قدرت نرم امتزاجی از مؤلفه‌های محیطی است. قدرت سخت ماهیتی متعصب دارد؛ ولی قدرت نرم تصویری ژلاتینی از قدرت است. تمایل قدرت سخت به سمت سکون قدرت نرم به سوی تحوّل است. قدرت نرم بر سرمایه مادی بازیگر و قدرت نرم بر سرمایه اجتماعی بازیگر استوار است. (افتخاری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹-۱۸)

سرمایه اجتماعی، ناظر بر شاخص‌هایی است که به تقویت شبکه روابط اجتماعی و

تسهیل فرایند گردش امور در این شبکه و در نهایت، افزایش کارآمدی آن - در عین ثبات یا کاهش هزینه‌های فعالیت در آن - دلالت دارد. جوامع انسانی دارای سرمایه‌های چهارگانه فیزیکی، مالی، انسانی و اجتماعی می‌باشند. تأسیسات و سازه‌ها، پشتوانه مالی، مهارتها و ویژگی‌های نیروی انسانی از عوامل قدرت و ضرورت‌های توسعه‌اند. اما آنچه اکنون در راستای قدرت نرم مدنظر است، سرمایه اجتماعی است که مؤلفه‌های اصلی آن عبارتند از: اعتماد، اعتبار، وفاداری و امید.

اعتماد به عنوان جانمایه سرمایه اجتماعی، بیانگر نوعی رفتار ضابطه‌مند است. با وجود چنین عنصری، بدون نیاز به سازمانهای گسترده سیاسی - اجتماعی نتایج، حداکثری - با هزینه‌های کم حاصل می‌شود. تعلق‌های هنجاری مانند دوستی، ارتباط خانوادگی، خویشاوندی و مناسبات متقابل فرهنگی و شبکه نظارت رسمی بر حسن اجرای ضوابط سبب تعهدات اخلاقی و افزایش اعتماد می‌شود (همان، ج ۲، ص ۳۰-۱۶). اعتبار به مثابه منبع اصلی در تعیین ظرفیت بازیگران اجتماعی، زمینه اجرای تصمیمات و تعهدات را فراهم می‌سازد. اعتقاد افراد به هنجارهایی واحد، سبب ایجاد وفاداری خواهد شد. ایمان به تأثیرگذاری، سبب افزایش آن می‌شود. بررسی‌های فرهنگی - اجتماعی حکایت از متاثر بودن پدیده‌ها از باورهای مخاطبان دارد. (همان، ص ۲۲)

از سوی دیگر محدود کردن چشم انداز زمانی به حال، نه تنها معنای کامل سرمایه اجتماعی را نشان نمی‌دهد، بلکه بخشهای قابل توجهی از آن را نادیده می‌انگارد. امیدواری و ایجاد باور به نتیجه‌بخشی فعالیتها در آینده، مخاطب را به تعامل و فعالیت وادار می‌کند. (همان، ص ۲۳)

### سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی

سرمایه اجتماعی (مرکب از مؤلفه‌های اعتماد، اعتبار، وفاداری و امید) سبب هم‌افزایی (در نتیجه تعاملات، سهولت در ارتباطات، انعطاف) می‌شود. آنچنان که در مقدمه از قول زونیس آورديم، در پدیده شگرف انقلاب اسلامی حدی از سرمایه اجتماعی در ملت ایران ایجاد شد که غنا ناپذیری، شکست ناپذیری و تهدید ناپذیری را از شاخصهای

برجسته نظام جمهوری اسلامی کرده است. بیان فوکویاما نظریه پرداز معاصر آمریکا پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی، نشانگر پایداری و استمرار دستاوردهای انقلاب اسلامی است. معمولاً در بحث از دستاوردهای انقلاب اسلامی، تکیه بر آمار، کمیّات، نهادها، نمادها، نظامات و... به معنای محاسبه سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی جمهوری اسلامی بدون توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. غافل از اینکه عملاً و عیناً آنچه سبب انباشت سرمایه‌های سه گانه یاد شده می‌شود، سرمایه‌های اجتماعی است.

امام خمینی(ره) علاوه بر دستاوردهای مادی و کمیّ انقلاب، استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را از نتایج انقلاب اسلامی بیان می‌دارد. (ر.ک.به: دهشیری، ۱۳۸۰، ص ۷۱-۷۰) آن حضرت به موارد ذیل به عنوان مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اشاره می‌فرماید: احیای مجدّد اسلام و آشکار شدن نقش دین در تحرک دادن به اجتماع؛ ایجاد تحوّل روحی در مردم از مادیات به معنویات؛ ایجاد دگرگونی در ارزشها؛ ایجاد پیوند و ارتباط هر چه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکیل آنها به عنوان یک نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرتها؛ تبدیل وضعیت ملت ایران از حالت انزوا به حضور و معرفی ایران به عنوان مرکز مبارزه علیه استعمار. (ر.ک.به: همان)

هر چند گاهی در تحقیقات، به دلیل اهمیت و محوریت، قدرت نرم را به سرمایه اجتماعی و بعضاً سرمایه اجتماعی را به اعتماد کاهش می‌دهند، اما برای بررسی مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی باید با دیدی وسیع‌تر به مطالعه پرداخت. عدم تطبیق داده‌ها با مدل‌های مرسوم نباید سبب خود سانسوری و حذف بخشی از داده‌ها شود. البته برای باز تعریف مدلها و دستیابی به مدلی از قدرت نرم و مبانی آن در جمهوری اسلامی، نباید گرفتار شتابزدگی شویم.

### انقلاب دینی

در بررسی علل وقوع انقلاب اسلامی؛ موضوع وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا، سرکوب و اختناق سیاسی، وجود شکنجه، زیر پا گذاشتن دائم حقوق بشر و فساد اقتصادی و اخلاقی قابل توجه می‌باشد. برخی نیز بر توسعه نامتوازن، رشد سریع اقتصادی و رکود



ناگهانی و... توجه داشته‌اند. میشل فوکو می‌گوید: مردم با حکومتی سر و کار داشتند که تا بن دندان مسلح بود و ارتش بزرگی را در خدمت داشت که به گونه‌ای شگفت‌انگیز و غیر قابل تصور وفادار بود. مردم با پلیسی سر و کار داشتند که گرچه یقیناً بسیار کارا نبود، اما خشونت و بی‌رحمی‌اش اغلب جای خالی را با زیرکی و ظرافت پر کرده بود؛ به علاوه رژیمی که مستقیماً متکی به ایالات متحده بود؛ و از پشتیبانی تمام جهان و کشورهای بزرگ و کوچک اطراف برخوردار بود. به یک معنا، این رژیم تمام برگ‌های برنده و البته نفت را در دست داشت که درآمدهایی را برای دولت تضمین می‌کرد و دولت می‌توانست به دلخواه از آن استفاده کند. با این حال، مردم قیام کردند؛ البته مردم در بافتی از بحران و مشکلات اقتصادی و غیره قیام کردند. اما مشکلات اقتصادی ایران در این دوران آنقدرها بزرگ نبود که مردم در دسته‌های صد هزار نفری و میلیونی به خیابانها بریزند و در مقابل مسلسلها سینه سپر کنند. (نیکو سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۰)

اسلام‌زادگی، ریشه کن کردن میراث فرهنگی ایران و مخالفت جدی با نهادهای مذهبی، زمینه‌ساز وقوع انقلاب اسلامی ایران شد. عوامل مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، سلطه قدرتهای بزرگ و استبداد غیر قابل تحمل، همواره بر ایران سایه افکنده بود؛ لذا باز خوانی این عوامل از نگاهی دینی، حرکت برای محو این نارسایی‌ها را الزام آور ساخت. در فضای اجتماعی - فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی، یک نفر شیعه مسلمان و مؤمن، همه چیز از جمله مسائل سیاسی و حکومتی را در قالب مذهب و با زبان و مفاهیم مذهبی تفسیر و توجیه می‌کرد (گواهی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۱). مخالفت مذهبی مردم با حکومت، صرفاً تمسک متعصبانه آنان نسبت به عقاید و اصول مذهبی متعلق به دورانهای گذشته نبود (آن طور که شاه می‌خواست اثبات کند)، بلکه این مخالفت، حرفها و مطالب منطقی بسیاری داشت (فیشر، ۱۳۷۶، ص ۹). با اذعان به همه مشکلات اقتصادی، باید بینیم مردم چرا قیام کردند؟ آنان می‌گفتند: دیگر این وضع را نمی‌خواهیم. ما باید همه چیز را در کشور، اعم از تشکیلات سیاسی، نظام اقتصادی و سیاست خارجی را تغییر دهیم. به ویژه اینکه باید خودمان را تغییر دهیم. باید شیوه

بودنمان و رابطه‌مان با دیگران، با اشیا، با خدا و غیره را کاملاً تغییر دهیم. تنها در صورت این تغییر بنیادین در تجربه‌مان است که انقلابمان واقعی خواهد بود (فوکو، ۱۳۸۰، ص ۶۰). من فکر می‌کنم در همین جاست که اسلام ایفای نقش می‌کند (همان). وقتی می‌گوییم «آنان از طریق اسلام در جستجوی تغییری در ذهنیت خویشند»، این گفته با این واقعیت که روش سنتی اسلامی از پیش حضور داشته و به آنان هویت می‌داده، کاملاً سازگار است (همان). در این شیوه که آنان دین اسلام را به منزله نیروی انقلابی زیست می‌کنند، چیزی غیر از اراده به اطاعتی و فادارانه‌تر از قانون شرع وجود داشت؛ یعنی اراده به تغییر کل هستی شان با بازگشت به تجربه‌ای معنوی که فکر می‌کنند در قلب اسلام شیعی رشد می‌یابد (همان، ص ۶۱). باید گفت که اسلام در سال ۱۹۷۸ م. افیون مردم نبوده است؛ زیرا دقیقاً روح، یک جهان بی روح بوده است (همان). دقیقاً نوری بود که در همه این مردم روشن بود و در عین حال همه آنان را در خود غرق کرد. (همان)

### ابعاد جهانی قدرت معنوی انقلاب اسلامی

«تعریف» دین و معنویت با تعریف قدرت در منطق مادی بسیار متفاوت است. منطق مادی، قدرت را در ابزارها و وسایل مشاهده می‌کند؛ در اتم، در سلاح شیمیایی، در سلاح میکروبی و وسایل گوناگون پیشرفته مادی. اما اینها همه قدرت نیست. بخش عمده قدرت در وجود انسانهایی است که می‌خواهند این قدرت را به کار ببندند. وقتی مجموعه‌ای حقیقت دارد و برای حق و آرمانها و ارزشهای والا تلاش و مجاهدت می‌کند و آماده است و برای این مجاهدت، وجود و امکانات و همه توان خود را به کار گیرد، قدرت واقعی آن جاست. مجموعه‌ای که برای حق و ارزشهای حقیقی تلاش می‌کند، از قدرت به شکل حیوانی استفاده نمی‌کند؛ ظلم نمی‌کند؛ استکبار نمی‌ورزد؛ انسانها را تحقیر نمی‌کند. به سرزمین دیگران تعرض و تجاوز نمی‌کند؛ ملتها و منافع و امکانات آنها را از آنها سلب نمی‌کند و به خود متعلق نمی‌سازد. این اطلاق قدرت معنوی است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷، ص ۸۴)

«نظام جمهوری اسلامی از آرمان حق، از حقوق انسان از هویت ملی و اسلامی خود و از سربلندی ملتی که شایسته سر بلندی است، دفاع می کند. در مقابل ظلم عقب نشینی نمی کند. جمهوری اسلامی از آغاز گفت و ثابت کرد که در برابر زورگویی، ستمگری، تحمیل، فشار و توقعات متکبرانه مستکبران عالم عقب نشینی نمی کند و از آرمانهای والای خود دست بر نمی دارد. این یک منطق صحیح، انسانی، حقانی و متکی به قدرت معنوی است.» (همان)

«پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت، توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست. هر جا که نام و پیام امام (ره) نفوذ کرد، معنویت را در آنجا به همراه برد؛ حتی اگر به جوامع مسیحی و غیر مسلمان که به انقلاب اسلامی روی خوشی نشان ندادند، از آن درسی طلب کردند و بهره ای بردند. نگاه کنید، معنویت را در آنجا مشاهده خواهید کرد. رد پای انقلاب اسلامی، معنویت است و این معنویت اولین پیام این انقلاب و امام معنوی آن است.» (همان، ص ۷۲)

معنویت گرایی انقلاب اسلامی در نقاط مختلف زمین، غرب دنیا محور سوداگر را به چالش کشید. ریچارد مورفی معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا، در گزارشی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا گفت ارجحیت های آمریکا مبتنی بر حفظ جریان آزاد نفت از خلیج فارس، مهار کردن نفوذ روسیه و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است: پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر فقط یک مسئله استراتژیک متعارف نیست. مسئله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است (ر.ک. به: واعظی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴). جورج شواتز وزیر سابق دارایی آمریکا اعلام کرد: انقلاب اسلامی خطرناک ترین دشمن مشترک غرب در سراسر تاریخ آن است. (همان، ص ۳۱۵)

ریچارد نیکسون نوشت: «اسلام خمینی و بنیادگرایی اسلامی برای ما خطرناک تر از شوروی است» (نیکسون، ۱۳۶۸، ص ۶۷). وی همچنین نوشت: «در جهان اسلام از مغرب تا اندونزی و شرق، بنیادگرایی اسلامی جای کمونیسم را به عنوان وسیله اصلی دگرگون

سازی قهر آمیز گرفته است. تغییر در جهان سوم آغاز شده است. بادهای آن به مرحله طوفان رسیده است. ما قادر نیستیم آن را متوقف کنیم. نظریه پردازان غربی معتقدند که آرام ساختن طوفان اسلامی تنها در سایه استحاله جمهوری اسلامی ایران یا شکست انقلاب اسلامی میسر است» (همان). نیویورک تایمز نوشت: «ایران با آیت الله خمینی (ره)، مسیح وار فریاد رهایی از یوغ سلطه خارجی را سر داده و داعیه تشکیل یک حکومت گسترده مبتنی بر اصول اسلامی را دارد. این مسئله، غرب را در عرصه ایدئولوژیک و سیاسی با بحران مواجه خواهد ساخت». (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۶)

### منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی

بازخوانی اسلام توسط امام خمینی (ره) و احیای ایشان؛ یعنی بازگردان ابعاد سیاسی - اجتماعی اسلامی به زندگی مسلمانان، سبب رویکرد جدید مسلمانان به اسلام و تعریف وظایف، تکالیف و مسئولیتهای جدید و عرصه‌های وسیعی از عمل و فعالیت‌های اسلامی شد. «مذهب اسلام همزمان با اینکه به انسان می گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسانها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی برقرار کند. هیچ حرکتی و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است». (امام خمینی، ۱۳۵۷، نوفل لوشاتو)

«اسلام دین سیاست است. دینی است که در احکام آن، در مواضع آن، سیاست به وضوح دیده می شود» (همو، ۱۳۵۸، جماران). «شعار سیاست از دین جداست، از تبلیغات استعماری است، که می خواهند ملت‌های مسلمان را از دخالت در سرنوشت خویش باز دارند. در احکام مقدس اسلام، بیش از امور عبادی در امور سیاسی و اجتماعی بحث شده است. روش پیامبر اسلام (ص) نسبت به امور داخلی مسلمین و امور خارجی آنها نشان می دهد که یکی از مسئولیتهای بزرگ شخص رسول اکرم (ص) مبارزات سیاسی آن حضرت است» (همان، ۱۳۵۷، نوفل لوشاتو). «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست.

برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون (یعنی احکام شرع) یک حکومت و دستگاه اجرایی و اداری مستقر کرده است. (امام خمینی، ۱۳۴۷، نجف)

منشأ الهی قدرت سیاسی و سلسله مراتب پیامبران، امامان و اولوالامر، بیعت و ساز و کار مشارکت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصلاح شبکه قدرت، نصیحت ائمه مسلمین (ع) و اصلاح بینش صاحبان قدرت و در نهایت، اعتراض و قیام برای تغییر ساختار قدرت، مسئولیتهایی هستند که اسلام فراروی مسلمانان برای تولید قدرت نرم مؤثر قرار داده است. (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۴۱-۳۴)

پی‌یر بلاشه خبرنگار روزنامه لیبراسیون می‌نویسد: «آنچه مرا شگفت زده کرد، این بود که برای مثال دانشجویان می‌گفتند ما همگی یکسانیم، ما همگی یکی هستیم، همگی پیرو قرآنیم، همگی مسلمانییم». (نیکو سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۵۹)

ماهیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به سبب قدرت اقناعی و انگیزشی قوی در درون جامعه اسلامی (اعم از درون مرزی و برون مرزی) مسلمانان را تا فدا کردن همه دارایی و هستی خویش برای دفاع از آرمانهای اسلامی و دفع تهدیدها از سوی دشمنان اسلام بسیج می‌کند.

### اسلام شیعی

نخستین تحلیلهای محققان پدیده انقلاب اسلامی برای تبیین کانون جوشان انقلاب اسلامی، توجه به مذهب تشیع بوده است. اس. کاج پل می‌نویسد: «اسلام شیعی هم از نقطه نظر سازمانی و هم از لحاظ فرهنگی برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه نقش تعیین کننده داشت. روحانیون انقلابی که تابع آیت الله [امام] خمینی [ره] بودند عقاید سیاسی را تبلیغ می‌کردند که شاه را زیر سؤال می‌برد. سپس شبکه‌ها، روشهای اجتماعی و اسطوره‌های اصلی شیعه به ایجاد هماهنگی در نهضت توده‌ای شهری و خلق اراده اخلاقی در آن برای مقاومت در برابر اختناق و سرکوب مسلحانه، کمک نمودند. همه اینها بدین

معنی بود که یک بخش بسیار سستی از زندگی ایران، ارائه کننده منابع سیاسی حیاتی برای شکل دادن به یک نهضت اسلامی با چهره‌ای بسیار مدرن بود (اس. کاج پل، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵). مفهوم عدالت، نظریه امامت، غیبت و انتظار، اجتهاد، شهادت، تقیه، بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، تولی و تبرأ، نمادهای روشن تاریخی (حکومت عدل امیرالمؤمنین (ع)، قیام عاشورا، شهادت همه امامان معصوم علیه السلام) عوامل حرکت آفرین شیعی در انقلاب اسلامی بوده‌اند. (هنری لطف پور، ۱۳۸۰، ص ۸۹-۷۲)

### مرجعیت

مفهوم مرجعیت دینی و لزوم اطاعت از مجتهد جامع الشرایط، دقیقاً از مبانی فقهی و کلامی شیعه نشئت گرفته است. براساس روایات فراوان از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع)، با آغاز دوره غیبت کبری، مسئولیت رهبری مذهبی شیعه بر عهده فقها و علمای واجد شرایط قرار گرفت. شیخ مرتضی انصاری سه رشته وظیفه برای مرجع بیان می کند که عبارتند از: ۱. رسیدگی به امور قضایی و دادگستری؛ ۲. رسیدگی به امور دینی (تفسیر دین و تبیین شریعت)؛ ۳. اداره امور سیاسی و حکومت (همان، ص ۱۳۲)

### مرجعیت امام خمینی (ره)

شواهد قرآنی فراوانی حکایت از اعتقاد سیاسی عمیق و سازمان یافته حضرت امام (ره) را قبل از مرجعیت تأیید می کند. در دست خطی از امام (ره) که به سال ۱۳۶۳ ق. در یادنامه سید علی وزیری باقیمانده است، چنین نگاه شده‌اند: «قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا بر فرعون چیره کرد و تمام تاج و تخت و سطوت آنان را بر باد داد و نیز او را بر میقات محبوب رساند و به مقام صحق و صحنشان ... اما از این طرف، خودخواهی و ترک قیام برای خدا، ما را به این روز سیاه نشانده و همه جهان را بر ما چیره کرده است.... قیام برای نفس است که چادر عفت از سر زنهای عقیف مسلمان برداشت. الان هم این امر بر خلاف دین و قانون، در مملکت جاری است و کسی علیه آن سخن نمی گوید». (نقل از: وجدانی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۵)

امام خمینی(ره) در طول عمر پر برکت قبل از مرجعیت خود، با درس گرفتن از مبارزات روحانیت در تاریخ معاصر، دو سیاست راهبردی را همواره تعقیب می کردند:

۱. هر گونه مبارزه مؤثر با رژیم استبدادی و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی باید با محوریت مرجعیت تشیع باشد.

۲. مرجع باید با حضور در مرکزیت سیاسی ایران، مستقیم و حضوراً مبارزات را رهبری کند.

همگامی آن حضرت در قوام حوزه علمی قم و تلاشش برای انتقال حضرت آیت الله العظمی بروجردی به قم و حمایتها و مشاورتهای دائمی و بی دریغ در طول مرجعیت آن بزرگوار، نشان دهنده این دو راهبرد اساسی است. بدون اینکه تصور طرحی از پیش تعیین شده وجود داشته باشد، با تحقق این دو راهبرد، چنین مقدر شد که مرحله علمی و رهبری نهضت سیاسی با محوریت مرجعیت تشیع به دست خودش تحقق یابد. اعتقاد عمیق مردم ایران به نیابت امام زمان(عج) و زمینه سازی توسط وی برای ظهور آن حضرت، عمیقاً رهبری امام خمینی(ره) را با اعتقادات پایه ای شیعه پیوند زد؛ به شکلی که در فرهنگ ایران، وی نخستین کسی است که بعد از امامان معصوم(ع) لقب امام را می گیرد. آنچه لایبی بر به عنوان ویژگی های مرجعیت سیاسی احصا کرده است، به حد کمال در وجود امام خمینی(ره) عینیت یافت: «صلاحیت و لیاقت در عمل امتحان شده، بصیرت و کاردانی و آگاهی، جان نثاری و اخلاص در خدمت عام» (لا بی بر، ۱۳۷۵، ص ۳۷). البته همه این شاخصها هنگامی کارآمد شد که مرجعیت امام(ره) و عظمت شخصیت آن حضرت در تعهد به اسلام، وی را از صف مراجع جدا ساخته بود. مرجعیت امام(ره) آنچنان در صحنه های مختلف انقلاب و بعد از آن قدرتمند جلوه کرد که بدون تردید بدون تصور وی، انقلاب اسلامی به پیروزی نمی رسید و نظام جمهوری اسلامی نمی توانست از بحرانهای مختلف دوره، استقرار و تثبیت عبور کند.

اصل ولایت مطلقه فقیه، رهبری مورد نظر امام خمینی(ره) را در نظام جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ ترین منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی نهادینه ساخت.

## فرهنگ عاشورایی

همواره نقاط عطف و سرنوشت ساز قیام مردم ایران در ماه محرم و به خصوص ایام تاسوعا و عاشورا رقم خورده است. قیام ۱۵ خرداد و راهپیمایی‌های میلیونی مردم ایران در تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ که منجر به رفتن شاه از ایران شد، از نمونه‌های بارز این موضوع است. هنگامی که مردم حکومت شاه را سمبل حکومت یزیدی معرفی کردند، سبب ایجاد اوج تنفر و انزجار و بسته شدن هر گونه راه آشتی با وی شد. در واقع و به بیان حضرت امام(ره): «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» حضرت امام(ره) فرمودند: «سید الشهداء (سلام الله) علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود. فرمودند که می‌بینید که معروف عمل بهش نمی‌شود و منکر عمل بهش نمی‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرند. انحراف همه از منکرات است. جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است. اینها باید از بین برود و ما که تابع سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت. قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود. هر منکری را باید از بین برد. من جمله قضیه حکومت جور، حکومت جور را باید از بین برد». (امام خمینی، ۱۳۶۶)

«حضرت سید الشهداء فرمودند: هر که ببیند یک سلطان جائری اّتصاف به این امور دارد و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است». (امام خمینی، ۱۳۵۷)

«اینکه حتی برای تباکی در مراسم سیدالشهدا(ع) اجر بهشت قائل شده‌اند، اصل فلسفه‌اش تهییج احساسات علیه یزید هاست. ریختن یک قطره اشک برای آن حضرت(ع)، نوعی سربازی است. اعلام وابستگی به گروه اهل حق و اعلام جنگ با گروه اهل باطل، در حقیقت نوعی از خود گذشتگی است. اینجاست که عزاداری حسین بن علی(ع) یک حرکت است؛ یک موج است؛ یک مبارزه اجتماعی است». (مطهری، [بی تا]، ص ۷۹)



## روحیه شهادت طلبی

ناب‌ترین درسی که شیعیان از نهضت امام حسین (ع) می‌گیرند، آرزوی شهادت در راه آن حضرت است. این خصیصه منبعی از قدرت نرم ایجاد می‌کند که هیچ کدام از انواع قدرت سخت و نرم در برابرش تاب مقاومت ندارد. «یک دیکتاتور ظالم می‌تواند یک مخالف را حبس یا اعدام کند؛ اما اگر آن شخص مسئله مرگ را برای خودش حل کرده باشد (مثلاً شهادت طلب باشد) در آن صورت این قبیل کارها دیگر باعث اثبات قدرت دیکتاتور نمی‌شود» (نای ۱۳۸۷، ص ۳۹). مردم ایران در مبارزات نهضت ملی شدن نفت وقتی با ماشینهای آب پاش شهرداری مواجه می‌شدند، پا به فرار می‌گذاشتند؛ چون حرکت اجتماعی آنان در مکتب شهادت طلبی امام حسین (ع) باز تفسیر شد، با سیل انبوه به سوی نیروی مسلح که آنان را به شهادت می‌رساندند هجوم برده و با فریاد رسا می‌گفتند: توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد.

فوکو می‌گوید: «وقتی درست پس از کشتار ماه سپتامبر [۱۷ شهریور] به ایران وارد شدم، به خود می‌گفتم که با شهری وحشت‌زده رو به رو خواهم شد؛ چون در آنجا چهار هزار نفر کشته شده بودند. نمی‌توانم بگویم که در آنجا مردانی شاد و مسرور دیدم، اما از ترس، خبری نبود و حتی شجاعانشان بیشتر هم شده بود. به عبارت دقیق‌تر؛ وقتی مردم خطر را بی‌آنکه دفع شده باشد، پشت سر می‌گذارند، شجاعانشان بیشتر می‌شود. مردم در انقلابشان خطر مسلسل‌هایی را که همیشه در مقابلشان قرار داشت پشت سر گذارده بودند». (نیکو سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۳)

کلر بری خبرنگار روزنامه لیبراسیون می‌گوید: «در ایران همواره از حسین (ع) سخن می‌گویند. حال حسین کیست؟ یک "ظاهر کننده"، یک شاهد (یک شهید) که با رنج خود علیه بدی ظهور کرد و مرگش با شکوه‌تر از زندگی فاتحش بود. مردمی که با دست خالی تظاهرات می‌کردند، نیز شاهد بودند. آنان بر جنایتهای شاه، جنایتهای ساواک، بی‌رحمی رژیم‌هایی که دیگران آن را نمی‌خواستند و برشوری که این رژیم تجسّمش می‌بخشید، شهادت می‌دادند» (بری، ۱۳۸۰، ص ۶۱). پی‌یر بلاشه نیز می‌گوید: «مردم ایران با فریاد خستگی ناپذیر شهید. شهید؛ شاه را بیرون کردند». (نیکو سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۱)

امام خمینی (ره) فرمود: «منطق، منطق صدر اسلام است. اگر بکشیم به بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم، به بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد». (امام خمینی، ۱۳۵۷)

### وحدت و اراده ملی

امام خمینی (ره) با ظرافت و مدیریت شایسته بر عوامل واگرا و جدایی طلب، توانست وحدت کلمه را به عنوان رمز پیروزی بر اقشار مختلف مردم حکمفرما سازد و با استفاده از عبارات «واعتصموا بحبل الله»، «یدالله مع الجماعة»، «ید واحد»، «اخوت اسلامی»، «وحدت بین شیعه و سنی»، «حوزه و دانشگاه» و... همه مردم را به سوی یک هدف واحد رهبری فرماید.

از شاخصهای انقلابهای قرن بیستم، تضاد طبقاتی بود؛ یعنی اینکه معمولاً یک طبقه بر ضد طبقه دیگر که قدرت را در دست داشتند، قیام کرده، با سرکوب و نابودی آن طبقه، قدرت را در دست می‌گرفتند. اساساً بر اساس دیدگاه مارکس، موتور حرکت جامعه بر دیالکتیک و تضاد استوار بود. میشل فوکو می‌گوید: «آنچه در ایران مرا شگفت زده کرده این است که مبارزه‌ای بین عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد. رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاحها و پلیس مردم را تهدید می‌کند» (فوکو، ۱۳۸۰، ص ۵۸). «ایرانیان همچون تنی واحد راه پیمایی می‌کنند، انسانی که نفس می‌گیرد خسته می‌شود، نفس تازه می‌کند و دوباره حمله را آغاز می‌کند (همان، ص ۶۵). «آنچه به جنبش ایران قدرت بخشید، یک ویژگی دوگانه است. از یک سو، اراده جمعی که از لحاظ سیاسی کاملاً مستحکم شده است و از سوی دیگر، اراده به تغییر ریشه‌ای زندگی». (همان، ص ۶۷)

بری‌یر می‌گوید: یکی از مثالهای گویای این جنبش آن چیزی است که برای کردها روی داد. کردها که اکثریتشان سنی مذهبند و گرایشهای خود مختاری شان از دیرباز بر همه آشکار است، با زبان این قیام و این جنبش سخن می‌گفتند. همه فکر می‌کردند که کردها مخالف این جنبش هستند. حال آنکه آنان از این جنبش حمایت می‌کردند و

می گفتند: «درست است که ما سنی هستیم اما پیش از هر چیز، مسلمانیم ... ما پیش از هر چیز، ایرانی هستیم. در تمام مسائل و مشکلات ایران سهمیم هستیم.» (نیکو سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۲)

### وفاداری متقابل ملت و مسئولان

رابطه بین رهبری و پیروان در نهضت امام خمینی (ره)، از پدیده‌های نادر تاریخ بشریت است. قلب همه ملت ایران با قلب آن حضرت (ره) می‌تپید و با اراده و نظر او زندگی می‌کردند. اس کاج پل نقش رهبری را در انقلاب ایران نسبت به انقلابهای دیگر بی‌نظیر دانسته و می‌گوید: انقلاب ایران با محوریت رهبری آن شکل گرفت و به پیروزی رسید (پل، ۱۳۷۷، ص ۲۰۰). فو کو می‌نویسد: «شخصیت آیت الله خمینی [ره] پهلو به افسانه‌ها می‌زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی‌ای حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند» (نیکو سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

هیئت حاکمه در نگاه مردم انقلابی ایران، حزب، گروه یا جریانی نیست که مشروعیت خود را برای کسب قدرت از رأی اکثریت گرفته است، بلکه هیئت حاکمه از بین افراد واجد صلاحیت که با وفاداری به اسلام، انقلاب و خط امام (ره) برای تحقق آرمانهای انقلاب می‌کوشند، برگزیده شده‌اند. وضعیت علاقه مردم به مسئولان مملکتی پس از انقلاب نسبت به قبل از انقلاب، رشد چشمگیری داشته است. یک تحقیقات میدانی نشان می‌دهد در پاسخ به میزان علاقه‌مندی به مسئولان قبل از انقلاب پاسخ «زیاد» و «خیلی زیاد» ۷٪ و پس از انقلاب به نزدیک ۹۰٪ رسیده است. (ر.ک. به: ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴)

### امید به آینده

اعتقاد به وجود امام زمان (عج)، ظهور آن حضرت و تأسیس حکومت عدل و حق، از بدیهی‌ترین اصول اعتقادی شیعه دوازده امامی است. البته اصل موضوع، فصل مشترک همه مسلمانان جهان است. در انقلاب اسلامی، افقهای آینده آنچنان روشن بود که یکی

از شعارهای بسیار پر قدرت و مهیج مردم در مراسم مختلف به خصوص در دیدار با امام(ره)، شعار «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار» بود. بین شیعیان و مردم ایران - اگر برای هر کدام از منابع قدرت نرم نوسانی وجود داشته باشد - نسبت به این اصل، کمترین شک و تردیدی وجود ندارد. حتی کسانی نیز که از وضعیت موجود دلگیری‌هایی داشته باشند، باز هم تحقق آرمانهای خود و رفع مشکلات را با دعای برای فرج امام زمان(عج) خواستار می‌شوند. این اصل از چنان وسعت و اعتباری برخوردار است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی آن همه نفوذ و قدرت خیره کننده‌شان را از مشروعیت نیابت از امام زمان(عج) کسب کرده بود.

با شکسته شدن بت استبداد و استکبار و شکستهای خفت بار متوالی آمریکا در صحنه‌های مختلف (به خصوص شکست صحرای طبس) امید مردم انقلابی ایران برای تحقق آرمانهایشان بسیار بالا رفت و همین امید، سبب شد که به هر کاری با اعتقاد به موفقیت دست بزنند و در برابر مشکلات مختلف انقلاب، بدون هراس و بیم با اعتقاد به پیروزی وارد شوند که در بسیاری از صحنه‌ها همچون جنگ تحمیلی نیز چنین شد. هم اکنون نیز حتی در نسل سوم بعد از انقلاب، کمترین بیم و هراسی از دشمنان وجود ندارد و اینان خود را حاکم بر سرنوشت خویش احساس می‌کنند.

### نتیجه

در عرصه رقابتهای کنونی در سطح جهانی، قدرت هوشمند؛ به معنای ترکیب دو قدرت نرم و سخت، موضوعیت جدی پیدا کرده است. قدرتهای استکباری با بازخوانی مبانی قدرت نرم خویش، در پی بازسازی این بخش غیر قابل اغماض از قدرت هستند. اکنون نظریه پردازان بر تقدّم قدرت نرم بر وجوه دیگر قدرت، کمترین تردیدی ندارند و هر روز در پی معنا بخشی به آن هستند. محاسن قدرت نرم از جمله: کم هزینه و پر اثر بودن، اجتماعی بودن، اقناعی بودن و توان ایجاد خود انگیزگی در جامعه هدف برای تعقیب صاحبان قدرت، نظر سیاستمداران را به خود جلب کرده است.

انقلاب اسلامی ایران که با تکیه بر ایمان به خدا و روحیه شهادت طلبی بر قدرتمندترین رژیم منطقه و آمریکا پیروز شد، عالی‌ترین شکل قدرت نرم را رقم زد. این انقلاب نشان داد که دین اسلام، آموزه‌های شیعی (به خصوص حکومت امیرالمؤمنین و قیام امام حسین علیهم السلام) مرجعیت و رهبری امام خمینی (ره)، روحیه شهادت طلبی، امر به معروف و نهی از منکر، فریضه جهانی تبری و تولا، تقیه و اعتقاد به امام زمان (عج)، منابع بی نظیری از قدرت نرم هستند که طی دهه‌های گذشته توطئه‌های مختلف آمریکا نتوانسته است از کارآمدی آنها بکاهد.

وقوع انقلاب اسلامی منجر به شکل‌گیری اراده ملی، اعتماد اجتماعی، وفاداری و پیوند مستحکم بین مردم و سیاستمداران شده است که کارگزاران نظام را در راه دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده بسیار یاری می‌رساند. آنچه بر اساس تجربه ثابت شده که وراى همه منابع قدرت توانسته است جامعه را از بحرانهای مختلف عبور داده و همچنان جامعه را برای تحقق آرمانهای انقلاب با نشاط نگه دارد، اصل ولایت مطلقه فقیه است؛ سرمایه‌ای که بر اساس نهاد مرجعیت و اعتقاد مردم شیعه به آن، در ابعاد مختلف حیات سیاسی - اجتماعی جامعه به نقش آفرینی پرداخته است.

## منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۶۴)؛ *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
۲. *آیین انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. اسدی مقدم، کبری [بی‌تا]، *دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)*، تهران، ذکر.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)؛ *دو چهره قدرت نرم، قدرت نرم معنا و مفهوم*، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵. امام خمینی (ره) *سید روح الله - ۱۳۴۷*، درس فقه؛ نجف اشرف.
۶. امام خمینی (ره) *سید روح الله - ۱۳۵۷*؛ دیدار با جمعی از ملاقات کنندگان، نوفل لوشاتو.
۷. امام خمینی (ره) *سید روح الله - ۱۳۵۸*؛ سخنرانی در جمع عموم مردم در روز عید فطر، جماران.
۸. امام خمینی (ره) *سید روح الله - ۱۳۶۰*؛ سخنرانی در جمع و عاز تهران؛ جماران.
۹. امام خمینی (ره) *سید روح الله - ۱۳۶۶*؛ پیام به مناسبت سال نو.
۱۰. امام خمینی (ره) *سید روح الله - ۱۳۷۳*؛ قیام عاشورا؛ تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)؛ *قدرت نرم در نهضت پیامبر اعظم (ص)*، معنا و مفهوم قدرت نرم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۱۲. پل، اس کاج، تدا (۱۳۷۷)؛ *دولت تحصیلدار و انقلاب شیعی در ایران*، رهیافتهای نظری بر انقلاب اسلامی، ترجمه عبدالوهاب فراتی، قم، نشر معارف.
۱۳. *تبیان (بی‌تا)؛ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (ره)*، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. جمالی، حسین (۱۳۷۹)؛ *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل*، [بی‌جا]، مرکز تحقیقات اسلامی.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷)؛ *معنویت*، تهران، اداره تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۶. دال، رابرت (۱۳۶۴)؛ **تجزیه و تحلیل جدید سیاست**، ترجمه حسین ظفریان، [بی‌جا]، مترجم.
۱۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ **درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. ذوعلم، علی (۱۳۸۰)؛ **انقلاب و ارزشها**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. راسل (۱۳۶۱)؛ **قدرت**، ترجمه نجف دریا بندری، تهران، خوارزمی.
۲۰. رایت، رابین (۱۳۷۲)؛ **شیعیان؛ مبارزان راه خدا**، ترجمه علی اندیشه، تهران، نشر قدس.
۲۱. سرخوش، نیکو (مترجم)، (۱۳۸۰)؛ **ایران روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر با مشیل فوکو**، تهران، نشر نی.
۲۲. فوکو، میشل (۱۳۷۶)؛ **ایرانی‌ها چه رویانی در سر دارند**، ترجمه حسین معصومی همدانی، (بی‌نا).
۲۳. کلگ، استوارت آر (۱۳۸۷)؛ **چارچوبهای قدرت**، ترجمه: مصطفی یونسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. گالبرایت، جان کنت (۱۳۶۶)؛ **کالبد شکافی قدرت**، ترجمه احمد شها، تهران، مترجم.
۲۵. گواهی، عبدالرحیم (۱۳۷۶)؛ «**ریشه‌های انقلاب از زبان متفکران و صاحب نظران غربی**»، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۲۶. لابی‌یر، ژان ویلیام (۱۳۷۵)؛ **قدرت سیاسی**، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران، فرزانه.
۲۷. مطهری، مرتضی [بی‌تا]؛ **نهضت‌های اسلامی در یکصد سال اخیر**، تهران، صدرا.
۲۸. نای، جوزف اس (۱۳۸۷)؛ **چهره‌های قدرت با مقدمه‌ای بر قدرت نرم**، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۹. نیکسون، ریچارد (۱۳۶۸)؛ **پیروزی بدون جنگ ۱۹۹۹**، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، اطلاعات.
۳۰. واعظی، حسن (۱۳۷۹)؛ **ایران و آمریکا**، تهران، سروش.
۳۱. وجدانی، مصطفی (۱۳۶۹)؛ **سرگذشت‌های ویژه از امام خمینی (ره)**، [بی‌جا]، پیام آزادی.
۳۲. هنری لطیف پور، یدالله (۱۳۸۰)؛ **فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

33. Emmet, D.(1953), "**The Concept Of Power**", Proceedings Of The Aristotelian Society.
34. Russell, B.(1934), Power, **Anew Social Analysis**, London, Allen.
35. Russell, B.(1986), **The Forms of Power**, In: S.Lukes(ed) Power, Oxford Black Men.
36. Pew Global Attitudes Project, **Viems of a Changing**, World Gane 2003, Washington.

